

افغانستان در چنگال گلا دی تور های سیاسی*



محمد امین فروتن

قسمت اول

چگونه تاریخ و تمدن باستانی یک ملت به تراج برده میشود؟

متأسفانه حالتی را که به من از آخرین دیدارم از سرزمین افغانستان بویژه از شهر تاریخی کابل بدست آمده است نه میتوانم توصیف و بیان کنم و ناچار باید گفت که پس از یک فراق نسبتاً کوتاه و دردناک نسیمی از دنیای مأنوس و عزیز دوستان و آشنایان بود که مرا جان داد و محبت های بی پایان آن عزیزان که جز آنها در دنیا امیدی و سرمایه ای ندارم مرا مرهون منت های فراوان خویش ساخت. اما در کنار آن همه محبت ها چون نخستین شب هایم در شهرتاریخی کابل با سناریوی برگزاری دؤمین انتخابات پارلمانی افغانستان مصادف گردیده بود حکایت را از همین جا آغاز میکنم.

«ویروس تقلب» و کارنوالی بنام انتخابات پارلمانی!!

کابل همچون یک خانه ای شلوغ و درهم و برهم است و بر ویرانه های آن تصاویری از اکثریت «پهلوانان پنبه ای!» یا همان نامزدان دؤمین دورانتخابات پارلمانی افغانستان به چشم میخورند که در کنار سائرشعارهای بلند بالای سیاسی واجتماعی "خدمت به اسلام و مردم رنج کشیده افغانستان" را نیز از وظائف و مسؤولیت های مهم خویش میدانند. زیرا اخیراً رسم شده است که هرکی نامزد و کاندیدای پارلمان یا مجلس میشوند لزوماً خلص برنامه کاری اش را در چند شعار ارائه می دهند و بر برگه ای از کاغذ و یا هم پارچه ای از تکه به نمائیش میگذارند، مثلاً وعده می دهند که اگر من و کیل پارلمان شدم تمامی راه ها را قیرریزی یا اسفالت میکنم!! و یا هم آفتاب را از مغرب به مشرق در می آورم!! در اوج چنین یک هیأ هو ی خود خواهانه و مرموزی که همه کتله های از مردم اعم

از نخبه گان و خادمان این خیطه تاریخی را به حرکت آورده و مورد آزمائش قرار داده اند ، برای نخستین بار پرده از یک راز سر به مهر و « اشد محرم » برداشته شد ، و آنگاه ، در چنین معرکه ای از قدرت و لذت و چنین مهلکه ای از وحشی گری و ابتدال برخی از این « پهلوانان پنبه ای !! » برای اینکه ثابت سازند از تجارب و کارنامه های وسیعی برای خدمت به مردم و میهن برخوردار اند ، ضمن شمردن و ضرب و تفریق ساختن قسمتی از عمر شان را که در سازمان های اطلاعاتی و امنیتی کشور های بزرگ جهانی سپری کرده اند با همه چشم سفیدی چند سال « نا قابلی !! » را که در خدمت سرویس های جاسوسی و امنیتی مانند C.I.A یعنی سازمان مرکزی اطلاعات امریکا و سازمان اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق K.G.B به معامله پرداخته بودند ، بخشی از تجارب و اندوخته های لازم کاری خویش به حساب می آورند . وقتی ارزشها و معنویت در وجدان عمومی و تاریخی مردم ما مشخص نباشد که چه چیز میتواند به مثابه تجارب عمومی ، اندوخته های تاریخی ، فضیلت ها و فرهنگ ملی باید ثبت تاریخ باشند ، طبیعی است که چنین مدارک و گواهی نامه ها در بازار مکاره مافیائی از ارزش خاصی برخوردار اند ! شگفت انگیز است در جامعه ای که به هر دلیلی حتی زندگی مستمر و دوامدار در کشور های بیگانه خود یک ضد ارزش و امرنا پسندیده تلقی میگردید امروز وابسته گی و ارتباط با اهرم های بیرونی قدرت از مؤلفه های مهم « مشروعیت سیاسی » به حساب می آیند . این بزرگترین فاجعه انسانی ما و میهن ما است که دامنه اش در خیال و تصور نه می گنجد در اوج و بحبوحه این تراژیدی غم انگیز تاریخ ، روشنفکر نمایان با تحلیل ها و قیل و قالهای بی ریشه خویش در خدمت مافیای حاکم در آمده اند ، خلاصه آنچه را که از تحلیل گونه های این روشنفکر نماها و شبه روشنفکران برمی آیند هیچگاه با اوضاع و احوال واقعی و حاکم بر جامعه ما انطباق ندارند . اگر نه چی کسی اعم از روشنفکران جامعه و توده های از مردم فقیر نه میدانند که لازمه مهم و اصلی برپائی فرایند ها و مراحل گوناگون انتخاباتی ایجاد یک بستر آرام و صلح آمیزی بوده است که بدون فراهم آوری چنین بستر مناسب بر پائی هرگونه مراسم انتخاباتی ، فاقد مشروعیت لازم سیاسی میباشد ؛ این درحالی است که نزدیک ترین نکته جغرافیایوی به قصرریاست جمهوری افغانستان نیز از آفت نا امنی ها در مصونیت و آرامش نیست و نبوده است . چنانچه روشن و واضح است مسائلی چون امنیت و عدالت اجتماعی مؤلفه های مهمی اند که به قول دانشمندی هویت و شناسنامه یک مشروعیت سیاسی نیز نامیده می شود ؛! از اینکه بعضی از تحلیل گران و کارشناسان رسمی و مافیائی پشه را در هوا نعل میفر میکنند و درتحلیل و تفسیروارونه ای از حوادث و وقایع ید طولانی دارند !! به مصداق این بیت « رشته ای بر گردنم افکنده دوست میکشد هر جا که خاطر خواه اوست !! » در تحلیل حوادث کشور « صغری و کبری » میفرمایند !! اما مورد دیگر و آنچه بسیار مهم و درس آموزنده تر جلوه میکند ، نگاه « استبدادی » و منحصر به فرد به فرآیند

دموکراسی و مردم سالاری در افغانستان است که با تغییر هر روز و هر لحظه ای که پس از تشکیل دولت مؤقت برهبریی جلالتمآب حامد کرزی سپری میگردد با یک سرعت مهار ناشدنی به پیش میرود وقوت میگیرد . درد ناکنتر اینکه تحت همین شرائط پیچیده سیاسی که جامعه و کشور افغانستان مرحله بسیار غم انگیزی را سپری میکند و آرمان های عزیز وبزرگ افغانها که طی سه دهه گذشته میلیون ها شهید داده اند تا با نها دست یابد ، نخستین مؤلفه ای از امید **برپائی عدالت** بود که برابری و برادری را جاگزین تبعیض و تضاد ها میکرد و آزادی که انسان باشندد ای قلمرو افغانستان را از جور حکام و استبداد مستبدان رها می ساخت ، و آنگاه دنیای می شد که در آن همه انسان ها بویژه افغانهای درد دیده **برابر و برادر، آزاد و بی اسارت** ، عشق بورزند ودر پرستش خداوند دانش و زیبایی ، عظمت و آگاهی و نور، جهان ودنیای را ببینند لبریز از معنویت و هدفمندی که در آن هم زیستن مفهومی را دارد وارزشی، وهم مردن ودست از زندگی شستن! بنابراین «صُغری وکُبرای» نیمه روشنفکران نوبالغ و تحلیلگران رسمی این جامعه مغائر با واقعیت های تلخ تاریخ این سرزمین است که همه روزه پیرامون سرنوشت تمامی شهروندان این کشور به مشاهده میرسند. متأسفانه یک مغالطه خیلی عمیق فلسفی و تاریخی ، و درعین حال ساده ای است که برمجموع قضاوت های همه ما منجمله تحلیلگران ، مبصران و کارشناسان « رسمی و غیررسمی » این خیطه تأثیر فراوانی بجا گذشته است وجود دارد وآن مغالطه که با ریشه در معرفت ما نسبت به حوادث و دیگرگونی های تاریخی نسبت به زندگی وحیات انسان درهستی گره خورده است ، « **نگاه رجالی !!** » به تاریخ است که وقتی هم راجع به مسائل فلسفی و علمی راجع به زندگی بشر، تاریخ ، تمدن وحرکات انسانی صحبت میکنیم ، تمامی قضاوت های ما درزمینه های شناخت ومعرفت زندگی تاریخی انسان از همین « **نگاه رجالی** » به تاریخ که بخشی از جهان بینی ما را تشکیل میدهند ، نشئت می کند ، رسوبات وآثار همین نگاه معیوب « **رجالی** » چنان بر قضاوت های مان نسبت به زندگی تاریخی بشر سایه افکنده و متأثر گردیده است که بصورت واضیح بر مسند یکی از « عاملها ی » مهم تحولات اجتماعی قرار گرفته است . چنانچه به وضاحت میبینیم اکثر تحولات و دیگرگونی های جامعه فقیر ما با تبعیت از این عامل مهم واقع میگردند .قابل ذکر است که همین فرآیند « نگاه رجالی به تاریخ » دردوران های زندگی « **ما قبل مدرن** » بشر با شرایط و التزامات خاصی که داشت از اهمیت ویژه ای برخوردار بود اما با پیشرفت تکنولوژی و تسلط روزافزون « **انسان** » برهستی وطبیعت « **نگاه رجالی** » به تاریخ و هستی نیزبه صورت منظم و سیستماتیک به فرآیند تبعیت از نوعی مکانیزمی که با موتور **علم و خرد جمعی** درحرکت میباشد ارتقا یافت . روی همین دلیل است که تاریخ بشر بویژه دردوران معاصر و مدرن مالا مال از حق تلفی ها و نا برابریها و به نوعی متأثر از همین دید گاه معیوب فلسفی به مشاهده میرسد ، به همین دلیل است که در عملکردهای فردی و

مناسبات اجتماعی اکثریتی از حاکمان رژیم حاکم برکشور، اصل « نگاه رجالی به تاریخ » با جدیت رعایت می گردد ، جالب آنجا و آنگاه است که وقتی بنام یک فرآیند دموکراتیک و مردم سالاردر کشور های توسعه نیافته شرقی و اسلامی منجمله افغانستان خواسته های نامشروع و مستبدانه زمامداران درزیر پوشش همین نگاه اعمال میگردد ، چهره اصلی و مستبدانه زمامداران رسوای خاص و عام میشود و پرده از چهره حقیقی حاکمان به زیر می افتد ، و درنظام های استبدادی و مطلقه هیچ حد ومرزی برای اعمال قدرت حاکمان وجود نداشته است ، چنانچه درهمین « کارنوال انتخابات پارلمانی افغانستان » ازمسأله دموکراسی و مردم سالاری به مثابه پوششی برای « اختناق دموکراتیک !! » زمامداران استفاده بعمل آمد وهیچگاه وهرگزبه مؤلفه های لازمی فرآیند یک انتخابات واقعی ودموکراتیک توجه مبذول نگشت زیرا علاوه بر وجود بیماری مزمن « تقلب !! » که تمامی اندام های جامعه فقیر ما را گرفته اند در روند انتخابات که به قول آقای معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان از جمله پنج میلیون و هفت صد هزار رأی ، یک میلیون و چهار صد هزار رأی باطل اعلام گردیده است و آقای معنوی که دریک کنفرانس مطبوعاتی سخن میگفت اظهار نمود که « در جریان بررسی کمیسیون مواردی را ملاحظه نمود که نتایج درج شده در فورمه های نتایج، بنا بر ملحوظات مختلف که ازآنجمله میتوان از مشکوک بودن ویا عدم وضاحت آرا نام برد، نیاز به بررسی ویا شمارش آرا نیاز داشته اند .کمیسیون در اینگونه موارد با درنظر داشت موضوع به بررسی در ۸۱ محل، شمارش مجدد در ۱۲۱ محل و بررسی و شمارش در ۳۱۴۳ محل، هدایت صادر نموده بود .بعد از تکمیل بررسی و شمارش آرای کمیسیون با در نظر داشت نتایج واصله تصمیم مبنی بربی اعتبار شناختن نتایج ۵۶۹ محل اتخاذ نموده است.»

انتخابات دموکراتیک و مؤلفه های قومی !!

مسخره ترین تصمیمی وفرمانی که تا اکنون از سوی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان مبنی بر ابطال تمامی صندوق های رأی حوزه های انتخاباتی اتخاذ گردیده این است که صندوق های رأی برخی از حوزه های انتخاباتی را به دلیل اراده مشترک قومی مبنی بر واگذاری رأی به یک کاندید معین باطل اعلام گردید ، چنانچه باز هم از قول مقامات ارشد کمیسیون انتخابات شنیدیم در بحبوحه شمارش آرا وقتی دیدند که کاندید مورد نظر شان که مطلوب و مورد نظر مقامات حاکمه بود رأی نیاوردند بلادرنگ وبه اثر یک فرمان حکومتی تمامی آرا تمامی حوزه انتخاباتی را باطل اعلام نمودند و بدین سان **کارد خونین** ابطال انتخاباتی را در شکم یک تصمیم معصوم جمعی آنهم ازجنس مشروعیت قومی فرود بردند . معهذا مقامات ارشد کمیسیون مستقل انتخابات پس از اصداراین فرمان

بمب مانند برای توجیه شرعی!! و به ظاهر قانونی!! این اقدام خویش به استدلالات « بنی اسرائیلی» روی آوردند و آن توجیه به ظاهر شرعی و قانونی از جنس استبداد این بوده که وقتی تمامی آرای یک حوزه انتخاباتی در صندوق یکتن از کاندیدان انتخاباتی ریخته شده است هر چند معلوم گردد که این تصمیم در نتیجه یک اراده جمعی و بصورت آزاد اتخاذ گردیده ، از نظر کمیسیون تمامی آرای یک حوزه باطل اعلام میگردد . وبدین سان آسمان خونبار میهن ما که هنوز از چتر باروتی بیماری مزمن « **تقلب** » کبود است بر بستر « مشروعیت انتخابات » سوگوار است و اشکریزان . بگذارید ببینیم کدام رنگ و نیرنگهاست که چتر چنین کیودی را بر آسمان دموکراسی و مردم سالاری « گنبد» کشیده است ؟ وقتی چنین تقلب سیاهی در کار باشد بر ما بود که این بدیهی ترین و درعین حال حیاتی ترین مسأله که ناموس آزادی ، عدالت اجتماعی و مردم سالاری تلقی می گردد را به سرعت حل میکردیم و یا لاقلاً به چنین گستاخی و ابهام برگزار نه می شد . پس بهتر است صادقانه و دلسوزانه ابتدا به خود مان برگردیم و پیش از همه از خود بنالیم که « از ماست که بر ماست » .

ادامه دارد

* گلابیاتورها دسته‌ای از جنگجویان حرفه‌ای در **روم** باستان بودند که با یکدیگر و با حیوانات درنده جنگیده و دست و پنجه نرم می‌کردند تا موجبات تفریح تماشاگران را فراهم آورند.